

عملیات پنهانی

(شوروی پس از فروپاشی)

فردریک فورسایت

ترجمه جلال رضایی راد



۱۳۹۹

پدرگریگور روساکوف	کشیش سیار که برای احیای مجدد دین در روسیه می‌کوشید
اصلان، محمود، شریف	گنگسترها و گاردهای محافظ چینی
آنتون گوروف	مدیرارشد تلویزیون تجارتي مسکو
ژنرال والتین پتروفسکی	فرمانده واحد مبارزه با مافیای میلشیاي مسکو
سرلشگر میشا آندریف	فرمانده لشکر تامانسکا، مسکو
ژنرال ویاجسلاو بوتوف	معاون وزارت دفاع، مسکو
ژنرال سرگی کورین	فرمانده گارد ویژه ریاست جمهوری در کرملین

فصل اول

در فصل تابستان بود که بهای یک قرص نان به یک میلیون روبل رسید. این سومین تابستانی بود که کمیابی محصولات، مردم را آزار می‌داد و دومین سال تورم فوق‌العاده‌ی قیمت‌ها بود. در فصل تابستان بود که در کوچه پس‌کوچه‌های شهرهای ایالتی، برای نخستین بار، مردم از فرط گرسنگی جان دادند. در همان تابستان بود که رئیس‌جمهور در اتومبیل خود دچار حمله‌ی قلبی شد و به علت دور بودن از مراکز کمک‌رسانی، کسی نتوانست جان او را نجات دهد. و باز در همان سال بود که یک مأمور نظافت سند مهمی را از دفتر کاری دزدید.

پس از آن، ورق برگشت. این جریان به تابستان ۱۹۹۹ باز می‌گردد. در بعدازظهر یک روز به غایت گرم و طاقت‌فرسا، دربان ساختمان نخست وزیری با صدای بوق ممتد یک اتومبیل دولتی، چرتش پاره شد و با یک خیز از اتاقک نگهبانی بیرون جست تا دروازه‌ی خروجی را برای عبور دو اتومبیل، که پشت سرهم می‌آمدند، باز کند. گارد محافظ رئیس‌جمهور،

انتخابات مجلس دوما حائز اهمیت، ولی حیاتی نبود. در سال‌های پیش، قدرت بیشتر و بیشتری از سوی پارلمان به ریاست جمهوری محول گردید و یلسین در این کار نقش اساسی داشت. این سبیریایی بزرگ، که چهار سال پیش در جریان کودتای نظامی اوت ۱۹۹۱ از فراز تانک مردم را به ایستادگی دعوت کرده، کودتا را شکست داد و نه تنها تحسین مردم روسیه بلکه تحسین جهان غرب را به‌عنوان قهرمان دموکراسی، برانگیخت و سرانجام قدرت را در دست گرفت، در زمستان سال ۱۹۹۵ به آدم فرسوده و درهم شکسته‌ای تبدیل شده بود.

او بعد از دوبار جان به‌در بردن از حمله‌ی قلبی، اینک در بیمارستانی در مسکو و از صحنه‌ی تلویزیون، ناظر عقب‌نشینی یاران خود در انتخابات پارلمانی بود. در روسیه، که برخلاف غرب و آمریکا، قدرت در دست رئیس جمهور است، این واقعه به مفهوم عقب‌نشینی نهایی به‌شمار می‌رفت. در روسیه هم مثل آمریکا، رئیس جمهور، رئیس قوه‌ی مجریه است ولی برخلاف آمریکا که در آن کنگره، رئیس جمهور را کنترل می‌کند، در روسیه، بدان‌گونه نمی‌تواند. یلسین با استفاده از اختیاراتی که از پارلمان گرفته بود، با قدرت تمام فرمان می‌راند و به عبارت دیگر با فرمان حکومت می‌کرد.

انتخابات پارلمانی در روسیه حداقل نمایانگر آن است که این بار باد از کدام جهت می‌وزد و چه چیزی در پیش است. این انتخابات داشت نشان می‌داد که در ژوئن ۱۹۹۶، انتخابات رئیس جمهوری حائز اهمیت بیشتری خواهد بود.

نیروی نوین در افق سیاسی زمستان ۱۹۹۵، به‌نحو واضحی کمونیست‌ها

شیشه‌ی سمت خود را پایین کشید و به دربان فرمان خیردار داد. اتومبیل مرسدس سیاه رنگ مدل ۶۰۰ رئیس جمهور از زیر تاقی دروازه عبور کرد و وارد میدان استارایا پلوشاد شد و پشت سر آن، اتومبیل چایکا حامل محافظین ریاست جمهوری، آن را دنبال نمود. دربان بخت‌برگشته که هنوز آثار چرت پاره‌شده در وجناتش پیدا بود، هنگام عبور اتومبیل دوم، سلام نظامی دیگری برای محافظان بالا انداخت با آرزوی آن که موردقبول واقع افتد. پس از آن، دو اتومبیل از نظر دور شدند.

رئیس جمهور تنها در صندلی عقب مرسدس نشسته و در افکار خود غوطه‌ور بود. راننده‌ی نظامی او پشت رل و در کنارش محافظ ویژه‌ی او از گروه نظامی آلفا نشسته بودند.

هنگامی که آخرین بخش مسکونی و ملال‌انگیز حومه‌ی مسکو را پشت سر نهاده به محیط طبیعی و درختان و مزارع سرسبز رسیدند، طبیعت احوال رئیس جمهور به جای آن‌که به تبع آن، خوش و خرم گردد، به نهایت افسردگی خود رسید. در طول سه سالی که به قدرت رسیده و جانشین بوریس یلسین بیمار شده بود، کار مملکت به فقر و فاقه کشیده و شیرازه‌ی امور آن به کل از هم گسیخته شده بود. این سه سال، نکبت‌بارترین دوران زندگی او به‌شمار می‌آمد.

در تابستان سال ۱۹۹۵، که به‌عنوان یک تکنوکرات از سوی یلسین به نخست‌وزیری منصوب شد تا به اقتصاد روسیه سروسامان بخشد، مردم روسیه به پای صندوق‌های انتخاباتی رفته بودند تا اعضای پارلمان جدید یا مجلس دوما^۱ را انتخاب کنند.